

داستان یک دولت

مهدی بازرگان، هفت سال بورسیه حکومت رضاخان بود در فرانسه. او یک نخبه علمی و مذهبی بود که پس از چند تجربه مدیریتی، معاون وزیر دولت مصدق شد و بعد از ۱۳۳۲ به یک مبارز فرهنگی سیاسی بزرگ تبدیل شد. او موسس «نهضت آزادی» است که اوج اندیشه این گروه، این شعار است: «شاه سلطنت کند، نه حکومت!» به هر حال، در روزهای پیروزی انقلاب، امام به پیشنهاد جمعی از اطرافیان، او را به ریاست دولت موقت انقلاب اسلامی منصوب می‌کنند؛ هرچند از اول با او مخالف بودند. او در اولین اقدام، گروهی از سیاست‌بازان فرتوت را مأمور اداره کشور بحران‌زده کرد که باید با سرعت به پیش می‌رفت تا جبران ۲۵۰۰ سال عقب‌ماندگی بشود! ۱۵ اسفند ۵۷ امام درباره مشی اعتدال دولت وی چنین گفتند: «این‌ها همه مسلمانند؛ همه متعهدند، لکن ضعیف‌النفس‌اند... ضعیف‌آقا و تا ضعیف‌ذریه‌باراقویا هستید. آن وقتی که نفس شما قوی شد و اعتنا نکردید به این زخارف، آن وقت است که از شما حساب می‌برند.» اعتدال بازرگان در مقابل عمل انقلابی امام، بیش از آن‌که ناشی از اختلاف فکری باشد، ناشی از ناتوانی او بود. اقدامات متعدد دولت نه‌ماهه وی، مثلاً مذاکره او با برژینکسی (مشاور امنیتی دولت آمریکا)، در حالی که امام به شدت، سیاست‌های آمریکا را محکوم می‌کرد، مورد اعتراض بود. سرانجام یک روز پس از تسخیر لانه جاسوسی، بازرگان بعد از بارها تمرین تهدید به استعفاء، استعفاء داد و امام هم پذیرفت.

